



## The Effective Factors, Trends and Consequences of the 14th National Consultative Assembly in Kermanshah

Ebtehaj Salimi<sup>1</sup> & Hasan Zandiyeh<sup>2</sup> & Manochehr Samadivand<sup>3</sup> & Masomeh Garedagi<sup>4</sup>  
(91-114)

The dismissal of Reza Shah from political power changed the country's political structure dramatically and began in the political and social spheres a new phase of parliamentary activities, parties, movements, and social classes. These changes affected the National Consultative Assembly election and people's participation in electing their representatives in Tehran and elsewhere in the country, so that each of these newly-formed parties and movements interfered in it without any legal prohibition, and the election went out of government's control for some time. The participation of people in the relatively free elections of the fourteenth parliament was the first experience of the Iranian nation after the fall of the first Pahlavi's dictatorship, and it was widely welcomed. This paper surveys different parties, groups, and personalities that, freed from the difficult political conditions of the first Pahlavi, participated in the elections in Kermanshah as an important and strategic region located in western Iran. This study is based on a descriptive-analytical method and relying on documentary and library manuscripts, with analyzing the voting process, tries to find out what the influential factors in the 14th National Consultative Assembly election in Kermanshah were. The results show that unlike Reza Shah's era, the 14th election was not monopolized by any of the political and social forces, and the candidates were affiliated with various and opposing influential groups. In the first election of the second Pahlavi era, in order to weaken the Pahlavi court, participation increased and the centers of power especially tribes and nomads and foreign political agents conducted activities during the parliamentary elections to achieve their political goals. Therefore, this period of the election was influenced by domestic and foreign agents. So new candidates entered the parliament.

**Keywords:** Parliamentary Elections, Kermanshah, 1940s, Tribes and Nomads, Allies.

Received: March, 22, 2020 ; Accepted: October, 6, 2020

 10.22059/jis.2020.299815.819  
Print ISSN: 2252-0643-Online ISSN: 2676-4601  
<https://jis.ut.ac.ir>

1. Ph.D Candidate, in History, Shabastar Branch, University Islamic Azad, Shabastar, Iran.
2. Email of the corresponding author: zandiyehh@ut.ac.ir  
Assistant professor in History, University of Tehran, Tehran, Iran.
3. Assistant professor in Islamic Education Group, University Islamic Azad, Tabriz Branch, Tabriz, Iran.
4. Assistant professor in History, Shabastar Branch, University Islamic Azad, Shabastar, Iran.

## عوامل مؤثر، روند و پیامدهای انتخابات مجلس چهاردهم شورای ملی

### در کرمانشاه

#### ابتهاج سلیمی

دانشجوی دکتری تاریخ، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران.

#### حسن زندیه<sup>۱</sup>

استادیار گروه تاریخ دانشگاه تهران، تهران، ایران.

#### منوچهر صمدی وند

استادیار گروه معارف اسلامی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

#### معصومه قره داغی

استادیار گروه تاریخ، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران.

تاریخ دریافت مقاله: ۹۹/۰۱/۳؛ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۹/۰۷/۱۵

علمی - پژوهشی

### چکیده

برکناری رضاشاه از قدرت، تکان سختی به ساختار سیاسی کشور وارد آورد و مرحله تازه‌ای از فعالیت پارلمان، احزاب، گروه‌ها، جریان‌های داخلی، اقشار و طبقات اجتماعی در عرصه سیاسی و اجتماعی آغاز گردید. انتخابات مجلس شورای ملی و مشارکت مردم در انتخاب وکلای موردنظر خویش در تهران و دیگر نقاط کشور هم از این تحولات و تکانه، بی‌نصیب نماند و هر یک از مراجع مذکور، بدون منع قانونی در آن دخالت کردند و انتخابات برای مدتی از کنترل دولت خارج شد. شرکت مردم در انتخابات نسبتاً آزاد دوره چهاردهم مجلس، اولین تجربه ملت ایران بعد از سقوط دیکتاتوری پهلوی اول بود و استقبال زیادی از آن صورت گرفت. کرمانشاه به عنوان منطقه‌ای مهم و استراتژیک واقع در غرب ایران، از جمله این موارد بود که احزاب، نیروها و شخصیت‌های مختلف با رهایی از دشواری‌های سیاسی دوره پهلوی اول، به تکاپو افتادند و در انتخابات سهمیم شدند که بررسی آن، مسئله مقاله حاضر است. این پژوهش با روش تحلیلی - توصیفی و با تکیه بر متون اسنادی و کتابخانه‌ای، با واکاوی روند رأی‌گیری، در پی پاسخ به این پرسش اصلی است که علل و عوامل تأثیرگذار در جریان برگزاری انتخابات مجلس چهاردهم شورای ملی در حوزه انتخابیه کرمانشاه چه بوده است؟ یافته‌ها نشان می‌دهد که برخلاف دوره سلطنت رضاشاه، انتخابات دوره چهاردهم به انحصار هیچ‌یک از نیروهای سیاسی و اجتماعی درنیامد و نامزدهای این دوره وابسته با گروه‌های ذی‌نفع متعدد و متضادی بودند. در اولین انتخابات دوره پهلوی دوم، نظر به ایجاد خلأ قدرت و ضعف دربار و عوامل بازدارنده رژیم، میزان مشارکت افزایش یافته و مراکز قدرت به‌ویژه ایلات و عشایر و مأموران سیاسی خارجی برای نیل به اهداف خویش، در جریان انتخابات مجلس به فعالیت‌ها و کنشگری پرداختند، لذا این مرحله از انتخابات تحت تأثیر عوامل داخلی و خارجی قرار داشت، در نتیجه نمایندگان جدیدی به مجلس راه پیدا کردند.

**واژه‌های کلیدی:** انتخابات مجلس، کرمانشاه، دهه ۱۳۲۰، ایلات و عشایر، متفقین.

### مقدمه

اطلاع از حیات پارلمان و شناخت تحولات درونی و فرازوفرودهای مجلس و امر انتخابات که بهترین نمود و بازتاب جامعه مدنی و نظام مشروطه به شمار می‌رود، نقش مهمی در درک تاریخ معاصر ایران دارد. حمله متفقین و برکناری و تبعید رضاشاه، گرچه بر

وخامت اوضاع اقتصادی و اجتماعی افزود، منجر به کاهش اقتدار دولت و اعمال نفوذ و سلطه در استان‌های مختلف کشور شد و این موضوع آثار و نتایجی بر جای گذاشت؛ در دهه ۱۳۲۰ ش. که از متلاطم‌ترین دوره‌های تاریخ سیاسی ایران به شمار می‌رود، فعالیت‌های سیاسی رونق گرفت، متنفذین محلی و اشراف زمین‌دار که زمانی مغلوب برنامه اسکان دولتی شده بودند، قدرت خویش را بازیافتند، تنش بین گروه‌های سلطنت‌طلب و مخالف رژیم افزایش یافت، احزاب و جریان‌های سیاسی با پشتیبانی مردم و اتحادیه‌های صنفی اجازه فعالیت پیدا کردند، مخالفان فرصت یافتند و برای نیل به اهداف خویش به گردونه رقابت‌ها پیوستند، عوامل خارجی و در رأس آنان روسیه و انگلیس و اندکی بعد آمریکا، نیز به اعمال نفوذ پرداختند، آزادی مطبوعات محقق شده و سانسور و اختناق در جامعه کاهش پذیرفت، کابینه‌ها به طور مکرر تغییر می‌کردند و به طور کلی مرحله‌ای از یک دموکراسی نیم‌بند بدون آنکه کسی انتظارش را داشته باشد، در کشور آغاز گردید و تا چندین سال به طول انجامید.

در چنین شرایطی، انتخابات مجلس مهم‌ترین و اصلی‌ترین هدف گروه‌ها و احزاب و نیروهای مختلف صاحب قدرت جامعه به شمار می‌رفت که با نفوذ و مداخله و به اصطلاح مشارکت در آن، راحت‌تر می‌توانستند به خواسته‌ها و مطالبات خویش برسند. انتخابات مجلس چهاردهم در ۱۳۲۲ ش. که نخستین مرحله انتخابات در سلطنت محمد رضاشاه بود، زمانی برگزار شد که شاه قدرت چندانی نداشت و لذا مراجع قدرت در تهران و استان‌های مختلف کشور برای برهم زدن نظم رضا شاهی و ابراز نارضایتی از تجدد آمرانه و همین‌طور تحقق امیال و آرزوهای خود در روند برگزاری انتخابات و گزینش نمایندگان مجلس مداخله کردند؛ گرچه همگی در این مسیر موفق نشدند. حوزه انتخابیه کرمانشاه واقع در غرب ایران با داشتن حیات نیرومند ایلی، رقابت احزاب و حضور عوامل خارجی به‌ویژه مأموران سیاسی و نظامی انگلیس، عرصه‌ای را فراهم کرد که امر انتخابات مجلس تحت تأثیر این عوامل قرار بگیرد و در این جستار روند برگزاری و عوامل تأثیرگذار در آن مورد بررسی قرار می‌گیرد.

گرچه تاکنون درباره انتخابات و تاریخ پارلمان آثار متعددی به رشته تحریر درآمده است، با این حال انتخابات مجلس و علل و عوامل دخیل در آن در حوزه کرمانشاه به مانند بسیاری از دیگر حوزه‌های انتخابیه استانی در جریان دوره چهاردهم مجلس شورای ملی - که مهم‌ترین مجلس و انتخابات در تاریخ پارلمان ایران مشروطه به شمار می‌رود - اثر مستقل و مبسوطی وجود ندارد. تنها پژوهش قابل توجه در این زمینه

کتاب محمدعلی سلطانی تحت عنوان «احزاب سیاسی و انجمن‌های سری در کرمانشاه» است که در قسمتی از جلد دوم به رقابت‌های حزبی با تکیه بر زندگینامه برخی از فعالین این حوزه پرداخته است. اما در این مقاله بر عوامل و رویکردهایی که در جریان انتخابات این دوره سهیم بوده‌اند، تمرکز می‌شود.

### ۱. احیای احزاب و تعدد جریان‌های سیاسی در دهه ۱۳۲۰ش.

یکی از مهم‌ترین آثار و نتایج کوتاه‌مدت برکناری رضاشاه از قدرت، شروع مرحله نوینی از حیات احزاب و جریان‌های مختلف سیاسی در تهران و دیگر نقاط کشور بود. در این مرحله احزاب و جمعیت‌های سیاسی، چنان کثرت و تنوع یافتند که مانند آن در تاریخ معاصر ایران دیده نشده بود (مدیرشانه‌چی، ۱۳۷۵: ۵۵-۵۶). تغییرات سیاسی و ضعف نسبی سلطنت و دربار پهلوی، عامل مهمی برای این آزادی‌های سیاسی بود. در این شرایط بسیاری از فعالین سیاسی کشور که تا این زمان به گوشه‌ای رفته و یا در زندان به سر می‌بردند، از فرصت استفاده کرده و با وضع تشکیلات حزبی در راه کاهش قدرت سلطنت و برآوردن امیال خود، به فعالیت پرداختند.

فعالیت احزاب در کرمانشاه تحت تأثیر رقابت‌های حزبی در تهران و سایر نقاط بود و جهت اطلاع از این روند ضروری است به آن اشاره گردد. در این مرحله سه گروه از احزاب سیاسی ظهور کردند و برای کسب قدرت سیاسی به رقابت پرداختند؛ گروهی محافظه‌کار که از اقتصاد سیاسی موجود حمایت می‌کردند و خواستار احیای ارزش‌های اسلامی بودند؛ گروه دیگر حامی بورژوازی ملی ایران بودند و سازمان‌های سیاسی تأسیس کردند که سرانجام ائتلافی معروف به جبهه ملی تشکیل دادند؛ و دسته سوم گروهی از روشنفکران لیبرال و رادیکال بودند که حزب توده را تأسیس کردند (امجد، ۱۳۸۰: ۹۰). دیگر احزاب و جمعیت‌های سیاسی این دوره به طور مستقیم یا غیرمستقیم تحت تأثیر این سه رویکرد اصلی قرار داشتند و لذا می‌توان اشتراکات زیادی در عمل و مرامنامه این احزاب مشاهده کرد. بنابراین، پس از تبعید رضاشاه یک دوره تقریباً ده ساله دموکراسی سیاسی در کشور شروع شد که در آن دو جبهه سیاسی عمده به صورت فعالان اصلی در عرصه سیاسی ظاهر شدند.

از جمله این احزاب و گروه‌های سیاسی می‌توان به حزب توده، دموکرات، عدالت، اراده ملی، کبود، شورای متحده کارگران، پیکار و غیره اشاره کرد. بزرگ‌ترین و فعال‌ترین حزبی که در این دوره تأسیس شد، حزب توده بود که بازماندگان گروه مارکسیست‌های ایرانی آن را تشکیل دادند و پایگاه آنان در میان طبقه متوسط جدید و کارگران صنعتی بود و برنامه‌ای دموکراتیک و ضد فاشیست را در پیش گرفت

(گازیوروسکی، ۱۳۷۱: ۸۳). حزب توده ایران با شرکت عده‌ای از آزادیخواهان و میهن‌پرستان و مخالفین دیکتاتوری رضاشاه که هسته مرکزی آنها را دسته ۵۳ نفر تشکیل می‌داد در ۷ مهر ۱۳۲۰ به رهبری سلیمان میرزا اسکندری در تهران سازمان یافت (جامی، ۱۳۵۷: ۱۳۴). پیشنهاد تشکیل این حزب فراگیر با ماهیت عامه فهم و ضد استعماری را ایرج اسکندری مطرح کرد (امیرخسروی، ۱۳۷۵: ۷۳)؛ لذا مؤسسين حزب به لحاظ فکری تحت تأثیر سوسیالیسم و کمونیسم قرار داشتند. قابل ذکر است که در این زمان فضای ایران آکنده از تبلیغات ضد کمونیست بود.

در ادامه در ۱۵ مهر ۱۳۲۰ با شرکت ۸۰ نفر جلسه هیئت مؤسسان حزب توده تشکیل شد که از این تعداد ۳۷ تن از کمونیست‌های زندانی بودند و در این جلسه اسم توده برای حزب انتخاب شد (سیاست و سازمان حزب توده از آغاز تا فروپاشی، ۱/۱۳۷۰: ۱۰۱). این افراد برای برگزاری سالروز درگذشت تقی ارانی دور هم جمع شدند. البته درباره تعداد اعضای مؤسس اولیه حزب توده در بین منابع اختلافاتی دیده می‌شود. خامه‌ای در این باره می‌نویسد:

«در این جلسه ابتدا سلیمان میرزا علت دعوت حضار را شرح داد و لزوم تشکیل حزبی را برای دفاع از آزادی و جلوگیری از تجدید دیکتاتوری بر اساس رهنمودهایی که مقامات شوروی داده بودند، بیان کرد ... سپس ۱۵ نفر از اعضای کمیته مرکزی مأموریت یافتند تا مرامنامه و اساسنامه موقت حزب را تدوین کنند و در جلب اعضا و گسترش حزب بکوشند» (خامه‌ای، ۱۳۷۲: ۲۵۱).

هدف اولیه حزب توده که به گفته طبری اعضای آن ترکیبی از «رفقای کمونیست» و «افراد ملی» بود (طبری، ۱۳۶۷: ۴۲)، ضمن اجرا و انجام وظایف خاص احزاب کارگری، تشکیل و هماهنگ کردن همه نیروهای مترقی در یک جبهه مشترک برای جلوگیری از اعاده دیکتاتوری و مبارزه با خطر فاشیسم و افشای آن بود (مهربان، ۱۳۶۱: ۲۷) حزب توده محصول شرایط اجتماعی و سیاسی کشور در اواخر دوره سلطنت رضاشاه بود. رشد نسبی صنایع، بسط مناسبات سرمایه‌داری در شهرهای مختلف، رشد کمی و کیفی پرولتاریا، تشدید تضاد میان نیروهای ملی و وطن‌خواه و سیاست‌های استعماری و نیاز مبرم کشور به انجام اصلاحات در شئون مختلف کشور از جمله این بسترها بود (نوروزی، ۱۳۶۰: ۴۴). حزب توده از شرایط تازه آزادی‌های سیاسی به خوبی استفاده کرد و ارتباط خود را با کارگران صنعتی و گروه‌های شغلی میانه‌حال مدرن گسترش داد (کمالی، ۱۳۸۱: ۱۵۸). با چنین ویژگی‌هایی بود که حزب در سال‌های بعدی در نقاط مختلف کشور به فعالیت پرداخت و به بزرگ‌ترین و مهم‌ترین نیروی سیاسی کشور بدل شد.

حزب پس از تدوین برنامه موقت و مرامنامه، کار خود را از تهران آغاز کرده و به دیگر استان‌ها گسترش داد. در بسیاری از شهرها شعبه تأسیس کرد و چندین روزنامه ایالتی انتشار داد از جمله بیستون در کرمانشاه، راهنما در همدان و غیره (آبراهامیان، ۱۳۸۸: ۳۶۸). لذا در اندک زمانی پس از تحولات شهریور ۱۳۲۰ احزاب متعددی در کشور به وجود آمد. سلطانی درباره حزب توده در کرمانشاه تصریح نموده:

«در اوایل پائیز سال ۱۳۲۱؛ محسن علوی، رئیس دبیرستان شاهپور کرمانشاه سر صف صبحگاهی طی سخنرانی مبسوطی تأسیس حزب توده را در کرمانشاه اعلام نمود و از دانش-آموزان خواست که برای عقب نماندن از دنیای مرفعی آنروز و مقابله با فئودالیسم به سازمان جوانان این حزب بپیوندند. سپس عفیفی دبیر طبیعی و معزی دبیر تاریخ و جغرافیا مرامنامه و اساسنامه حزب را قرائت و تشریح کردند ... پس از سخنرانی این سه نفر ابوالحسن قلقی، دانش-آموز سال ششم ادبی اعلام کرد که در هفته دو روز (یکشنبه و چهارشنبه) جلسه حزبی در خیابان سیلو برقرار است و شرکت کنند و متعاقباً روزنامه بیستون به مدیریت میرزا مهدی خان فرهیور و مدیریت داخلی فیض‌الله سعادت به عنوان ارگان و سخنگوی رسمی حزب توده منتشر و اولین میتینگ حزب توده در اوایل زمستان ۱۳۲۱ در میدان گاراژ برگزار شد». (سلطانی، ۲/۱۳۷۸: ۳۱۷)

علاوه بر توده که در این شرایط حزبی لیبرال و دموکراتیک محسوب می‌شد و تنها حزب واقعی و سازمان یافته کشور بود و برای طبقه کارگر و روشنفکران جوان و نوجوان جذابیت داشت، احزاب تندرو و محافظه‌کار نیز سر برآوردند از جمله پیکار، عدالت، میهن، مردم، دموکرات، ایران و اراده ملی. این احزاب دارای ایدئولوژی مدونی نبودند و هدف آنها بیشتر حفظ وضع موجود بود (طیرانی، ۱/۱۳۷۶: مقدمه). نخستین کوشش‌ها برای ایجاد احزاب محافظه‌کار به پیدایش حزب عدالت انجامید که جمال امامی و علی دشتی آن را تأسیس کرده و حزب اراده ملی که سید ضیاءالدین طباطبایی آن را به وجود آورد. علاوه بر این‌ها، گروه‌های ریز و درشت دیگری نیز در کشور به وجود آمدند. <sup>(۱)</sup> بنابراین، در دهه ۱۳۲۰ ش. تعدد و تکثر کم‌نظیری در عرصه فعالیت‌های حزبی در کشور جریان پیدا کرد. شهر کرمانشاه هم از جریان تحزب و فعالیت‌ها و رقابت‌های حزبی برکنار نماند و در شرایطی که رژیم توان سرکوب خود را از دست داده بود، در سال‌های مختلف دهه ۱۳۲۰ ش. جمعیت‌های سیاسی موجود در امور داخلی این شهر و به‌ویژه در امر انتخابات مجلس در سطح وسیعی مداخله و مشارکت می‌کردند، گرچه در انتخابات مجلس چهاردهم احزاب سیاسی حضور پررنگی در حوزه کرمانشاه نداشتند.

## ۲. انتخابات مجلس چهاردهم شورای ملی

در آستانه هجوم متفقین به ایران، انتخابات سیزدهمین دوره مجلس شورای ملی انجام شد و لذا با تبعید رضاشاه و جانشینی محمدرضا شاه مجلس به کار خویش ادامه داد. پس از اشغال ایران، تا مدت دو سال انتخابات جدید برگزار نشد و عاقبت در تابستان ۱۳۲۲ ش. شاه فرمان آن را صادر کرد. منصور در مصاحبه مطبوعاتی اشاره کرد با برقراری امنیت در انتخابات، از دسیسه‌بازی و دست‌کاری در نتایج آن و مداخله مأموران دولتی در امر تبلیغات و خریدوفروش آراء ممانعت خواهد کرد و از آزادی کامل انتخابات بحث نمود (اطلاعات، سال هفدهم، شماره ۵۱۸۷، شنبه چهاردهم خرداد ۱۳۲۲، ص ۱). مجلس سیزدهم در اول آذرماه سال ۱۳۲۲ پایان یافت و مجلس چهاردهم در ششم اسفند این سال گشایش و روز ۲۱ اسفند رسمیت یافت (صفایی، ۱۳۷۳: ۷۹). به نوشته مسعودی:

«اول آذر ۱۳۲۲ دوره سیزدهم مجلس پایان یافت و پنج ماه قبل از خاتمه مجلس، فرمان همایونی صادر و به موقع خود انتخابات آغاز گردید، بسیاری از نقاط در حین تشکیل مجلس نمایندگان خود را تعیین کردند که اغلب همان نمایندگان دوره سیزدهم بودند و بعضی نقاط هم وکلای جدیدی معرفی کردند ... در این دوره مردم تا حد زیادی در انتخابات شرکت کردند و برای اولین بار انتخابات بدون دخالت [کامل] دولت برگزار شد» (اطلاعات در یک ربع قرن، ۱۳۲۹: ۲۴۷).

نخست‌وزیر به هنگام صدور فرمان برگزاری انتخابات به وسیله شاه، به خبرنگاران خارجی گفته بود که انتخابات به شکلی آزادانه برگزار خواهد شد. بولارد در گزارش به ایدن اشاره کرد: «بعید به نظر می‌رسد بتواند چنین وعده‌های بی‌سابقه‌ای را عملی سازد» (یادداشت‌های سیاسی ایران، ۱۳۹۲: ۳۳۸/۱۲). چنانکه خواهد آمد، این پیشگویی‌ها در جریان انتخابات این دوره محقق شده و این پدیده تحت تأثیر علل و عوامل مختلف داخلی و خارجی قرار گرفت و در بسیاری از حوزه‌های انتخاباتی و از جمله در کرمانشاه، یک انتخابات واقعی، کاملاً مردمی و سالم برگزار نشد. بولارد در گزارش‌هایش تصریح کرد:

«با نزدیک شدن انتخابات جدید هرج و مرج افزایش می‌یابد. برای مدت بیست سال انتخابات آزادی وجود نداشت. رضاشاه ظاهر قانون را حفظ می‌کرد و در زمان او ... کاندیداهایی انتخاب می‌شدند که شاه مایل بود انتخاب شوند و رقابتی در کار نبود. این نظام جلوی بسیاری از مشکلات را می‌گیرد. حالا که رضاشاه رفته است، به نظر می‌رسد دستجاتی از مردم به عنوان کاندیداهای نمایندگی مجلس داوطلب خواهند شد ... نمایندگان فعلی به هیچ چیز جز امکان انتخاب شدن مجدد فکر نمی‌کنند و از کار مردم غفلت می‌شود» (بولارد، ۱۳۷۱: ۴۱۶-۴۱۷).

انتخابات این دوره از مجلس که طولانی‌ترین، رقابتی‌ترین و بااهمیت‌ترین انتخابات در ایران معاصر بود (آبراهامیان، ۱۳۸۸: ۲۲۸)، هنگامی صورت گرفت که نیروهای متفقین در کشور حضور داشتند و احزاب و دسته‌های سیاسی که پس از شهریور ۱۳۲۰ با مرام‌های سیاسی مختلف به وجود آمده بودند، به فعالیت پرداختند. از طرفی مبارزات انتخاباتی برخلاف ادوار پیشین، به گونه‌ای آشکار و علنی برگزار شد. در این مرحله که ۸ ماه به طول انجامید، اخذ رأی در حوزه‌های مختلف و در تاریخ‌های مختلف صورت گرفت و تاریخ دقیق پایان آن مشخص نشد (میلسپو، ۱۳۷۰: ۱۱۹). از طرفی عوامل متنفذ داخلی انتخابات را تحت سلطه خویش داشتند (شجعی، ۴/۱۳۸۳: ۲۲۲). لذا در این دوره از انتخابات، بخش زیادی از مردم مشارکت کردند. به نوشته اعزاز نیک‌پی، فرماندار کرمانشاه در اواخر سلطنت رضاشاه و استاندار بعدی استان پنجم:

«از متنفذترین شخص مملکت تا ضعیف‌ترین پیرمرد شکسته آن ده‌کوره دورافتاده در این کار [انتخابات] اثر داشتند. حالا چطور یک فرد باید همه اینها را راضی نگهدارد و به نفع خود به کار اندازد. در آن ایام حزبی وجود نداشت تا انسان بدان راه یابد و با انجام تعهدات لازم از شر قسمت بزرگی از ریاضت‌ها فارغ شود ... مردم و رأی دهندگان با کمال فطانت مطالب را می‌فهمیدند و همه چیز را می‌دانستند و از این وضع مضمز کننده [مداخله مأموران خارجی و سرسپردگان داخلی] ناراحت و ناراضی بودند و حد‌اعلای آرزوهایشان این بود که اشخاص شایسته را به وکالت خویش برگزینند» (نیک‌پی، ۱۳۴۷: ۹۸-۹۹).

البته نه اینکه دخالت دولت به طور کامل شود، بلکه در مقایسه با زمان سلطنت رضاشاه انتخابات جنبه نمایشی کمتری داشت. در این مرحله، سهیلی و کابینه‌اش سعی داشتند بر نتیجه انتخابات تأثیر گذارند، دربار، ارتش، انگلیس و روس، متنفدین محلی هر یک به نوعی در جریان انتخابات دخالت کردند (عظیمی، ۱۳۷۴: ۱۳۱). این گروه‌ها هر کدام با توجه به میزان نفوذشان در حوزه‌های انتخاباتی، به یکی از نامزدهای مجلس شورای ملی رأی دادند. خود سهیلی هم سه هفته پس از گشایش مجلس چهاردهم کناره‌گیری و به جرم مداخله در انتخابات تحت پیگرد قرار گرفت و از گردونه سیاست خارج شد (قانع و علمی، ۱۳۹۰: ۳۹۱).

در این انتخابات، نتیجه را نه دولت، بلکه از یک سو نیروهای اجتماعی و از سوی دیگر گروه‌های سازمان یافته به‌ویژه احزاب سیاسی، فراکسیون‌های پارلمانی و طرفداران خارجی آنها در بوروکراسی دولتی محلی و در پایتخت تعیین می‌کرد. کشور در نتیجه مشارکت مردم جان تازه‌ای گرفته بود. نامزدهای انتخاباتی تمایلات مختلفی داشتند و وابسته به نیروهای متخاصم بودند، باین‌حال هیچ‌کدام از این نیروها نتوانست انتخابات را به انحصار خود درآورد (آبراهامیان، ۱۳۸۸: ۲۲۹). جناح‌بندی و رقابت حزبی در مجلس و



ایجاد فراکسیون‌ها، نشان دهنده حضور فعال نیروهای مختلف در جریان انتخابات بود. به هر حال پس از انجام انتخابات و گشایش مجلس چهاردهم، هشت فراکسیون با عضویت ۱۲۸ نماینده از سرتاسر ایران شکل گرفت (فرخ، ۱/۱۳۴۷: ۶۵۶-۶۵۷). برخلاف ادوار پیشین، در مجلس جدید که به صورت کانون قدرت مستقل درآمد، تنوع زیادی از نمایندگان و کاندیداهای منتخب به وجود آمد و تقریباً نیمی از نمایندگان مجلس را چهره‌های جدید تشکیل می‌دادند (فوران، ۱۳۸۸: ۴۰۲). بنابراین، مجلس چهاردهم در مقطعی حساس شروع به کار کرده و قرار بر این شد که سرنوشت کشور را تعیین کند.

### ۳. اوضاع داخلی کرمانشاه در آستانه برگزاری انتخابات مجلس چهاردهم

به دنبال هجوم متفقین به کشور، شهر کرمانشاه برای آنان و به‌ویژه انگلستان ارزش و اهمیت استراتژیکی پیدا کرد و عوامل سیاسی و نظامی آنها برای مداخله در امور آنجا تلاش و اقدامات زیادی انجام دادند. منافع نفتی و تجاری انگلیس در کرمانشاه و نزدیکی به مرز خسروی و خانقین و عراق و نقش کلیدی این حدود در انتقال نیرو و کمک متفقین به یکدیگر باعث توجه آنان به این شهر و نواحی مجاور شد و بخشی از قوای نظامی خارجی و ارتش پهلوی به این دیار گسیل شدند. حسن ارفع از نظامیان این دوره اشاره کرده: «در چهارم شهریور [۱۳۲۰] خبردار شدیم نیروهای لشکر کرمانشاه راه انگلیسی‌ها را در گردنه پلطاق سد کرده و تلفاتی به ایشان وارد کرده بودند ... انگلیسی‌ها بخشی از خاک کرمانشاه را به اشغال خود درآوردند». (ارفع، ۱۳۹۵: ۳۶۶-۳۶۷). کمی بعد نیروهای روسیه در صحنه با نیروهای انگلیسی تماس گرفتند (اسکرین، ۱۳۶۳: ۱۵۲). از طرفی در این ایام، بسیاری از امرای ارتش ایران در لباس دهقانی و جامه و چادر زنانه گریختند و از انجام وظیفه خود شانه خالی کردند (ریاحی، ۱۳۷۱: ۶۴۲). با فرار افسران، طبیعتاً سربازان و افراد وظیفه نیز به خانه‌هایشان برگشتند. لذا به‌رغم مقاومت ارتش، با نمودارشدن ضعف آن، در بسیاری از نقاط کشور سربازان فرار کرده و مقاومت را رها نمودند. کرمانشاه نیز مورد هجوم انگلیس و اندکی بعد روسیه قرار گرفت (بهرامی، ۱/۱۳۸۹: ۲۰۷-۲۰۹). این مسئله نقش مهمی در وخامت اوضاع سیاسی و اجتماعی کرمانشاه و نواحی مجاور داشت. فرماندار کرمانشاه گزارش داد که مأمورین تمام ادارات محلی بر اثر اغتشاش محل کار خود را ترک کرده‌اند (قطبی، ۱۳۸۹: ۵۵). در شرایط ضعف و ناتوانی نظام اداری و ارتش دولتی، زمینه هرج و مرج داخلی آنجا را فراهم کرد و تبدیل کرمانشاه به مرکز نظامی متفقین در غرب و تأسیس سیلوها و انبارهای غلات و مواد غذایی در آنجا، وجود انبارهای اسلحه از جمله آثار سلطه به شمار می‌رفت که همگی این موارد منجر به نابسامانی جریان کار

دوایر مالی و اقتصادی و غله کرمانشاه شد (ساکما، شماره سند ۲۴۰/۱۰۹۲۲). انگلیسی‌ها به صدور مواد غذایی و غلات از کرمانشاه به عراق، فلسطین و سوریه پرداختند (ساکما، شماره سند ۲۴۰/۲۳۵۰۳). احتکار به وسیله عوامل اقتصادی دولتی و محلی (روزنامه کرمانشاه، شماره ۱۵۴۲، دی ۱۳۲۰، ص ۲)، گرانی و کمبود ارزاق و افزایش قیمت‌ها در نتیجه احتکار، باعث بروز نارضایتی‌هایی می‌شد (ساکما، شماره سند ۲۹۳/۳۶۲۱) و متفقین در سال‌های حضور در منطقه، به تحریک گروه‌های محلی بر ضد هم و نفوذ در میان متنفذین و حکام محلی پرداختند. آنان همین‌طور بدرفتاری و سختگیری با مردم مخالف را سرلوحه کارهای خویش قرار دادند (ساکما، شماره سند ۲۹۳/۳۸۲۱؛ ۲۹۳/۲۲۹۴).

احیای قدرت ایلات و عشایر یکی از آثار برکناری رضاشاه بود. رهبران و خوانین محبوس عشایر از جمله کردها، از تهران فرار کرده و به میان طوایف خویش بازگشتند.<sup>(۳)</sup> در کرمانشاه هم این موضوع جریان داشت. عشایر گرد، که خانواده‌های مختلفی را در برمی‌گرفت (یک‌رنگیان، ۱۳۸۴: ۲۹۸)، در نواحی غربی کشور بیلاق و قشلاق می‌کردند. در اوایل سلطنت رضاشاه با اجرای برنامه اسکان اجباری، قدرت حکام و متنفذین محلی را سلب کرد. در زمان حمله متفقین به ایران که بسیاری از سران عشایر آزاد شدند، بخشی از نیروی عشایر و ایلات این حدود، با عوامل بیگانه به مخالفت برخاستند. ایلات و طوایف گوران و قلخانی و سنجابی با آزادی محمدبیگ وکیل از زندان قصر به مبارزات و مخالفت با زیاده‌خواهی بیگانگان پرداختند (سلطانی، ۱/۱۳۷۸: ۳۷۶-۳۸۲). در نتیجه این واکنش‌های منفی بود که عوامل خارجی، بازداشت و تبعید و زندانی کردن رهبران عشایر را مطمح‌نظر قرار دادند.

مأمورین انگلیسی در بخش‌هایی که مداخله می‌کردند، عوامل محلی و مأمورین دولت وظیفه خود را در تأیید آن نظریه دانسته و عمل می‌کردند. بدین ترتیب انگلیسی‌های می‌خواستند در انتخابات سهمی داشته باشند. کلنل فلیچر انگلیسی رسماً از فعالیت یکی از کاندیداها ممانعت و سایرین را تأیید کرد (حجازی، ۱۳۲۲: ۸). او پس از مذاکره با کریم سنجابی به او گفته بود که شما نباید در شهر کرمانشاه بمانید و در نتیجه سنجابی و برادر و پسرعمویش و تنی چند از رؤسای ایل گوران بدون اینکه فعالیت جدی انجام دهند، دستگیر و سوار بر یک اتومبیل شده و به تهران منتقل گردیدند (سنجابی، ۱۳۶۸: ۶۸) این اتفاق پس از این برای بسیاری از متنفذین محلی و سران عشایر منطقه اتفاق افتاد. کار خلع سلاح عشایر کرمانشاه زیر نظر مأموران سیاسی انگلیسی انجام شد (یادداشت‌های سیاسی ایران: ۱۲/۱۳۹۲: ۵۳).

عوامل انگلیسی با مردم نیز برخورد نظامی داشتند؛ از جمله قتل چند کارگر و کودک به دست سربازان انگلیسی اتفاق افتاد (اسنادوخ، شماره ۴-۴۸-۳۹، ۱۳۲۱ش؛ همان، شماره ۱-۱۱۵-۳۹، ۱۳۲۲ش) در کنار این موارد بحران مواد غذایی و کمبود ارزاق عمومی مزید بر علت می‌شد و موجی از ترس و تنفر را در میان مردم این مناطق به وجود آمد. به گزارش بولارد، لرها و گردها در کرمانشاه معتقد بودند به وسیله انگلیسی‌ها که بلوط‌ها را برای خودشان جمع می‌کردند، دچار گرسنگی شده‌اند (بولارد، ۱۳۷۱: ۳۸۶). نارضایتی از کیفیت نان دولتی باعث شورش عمومی کرمانشاه شد (یادداشت‌های سیاسی ایران، ۱۲/۱۳۹۲: ۲۰۹). در ادامه برای تهیه و تأمین نان موردنیاز، به فرمان اداره غله، آرد گندم با آرد جو مخلوط شد (کمام، شماره سند ۲۴۸۴۴)؛ لذا ناامنی و بی‌نظمی در عرصه حیات عمومی در کرمانشاه به دنبال اشغال کشور افزایش یافته و زندگی مردم را مختل کرد.

در شرایطی که حکومت مرکزی در این نواحی تضعیف شده و در مقابل نیروهای متنفذ محلی و خوانین (گوران، سنجابی، کلهر، زنگنه، قلخانی و غیره) که در سلطنت رضاشاه سرکوب و منزوی شده بودند، قدرت یافتند. از طرفی گرایش‌های سیاسی در میان مردم به مکاتب فکری جدید در نتیجه فعالیت احزاب این دوره همچون حزب توده، عدالت، پیکار، اراده ملی و غیره رونق گرفته و کرمانشاه با چنین وضعیتی، مجموعه‌ای از این علل و عوامل داخلی و خارجی را در خود جای داده بود. انتخابات مجلس چهاردهم شورای ملی تحت تأثیر این عوامل قرار داشت.

#### ۴. علل و عوامل درونی

در دوره چهاردهم تقنینیه، انتخابات مجلس شورای ملی در حوزه انتخابیه کرمانشاه، تحت تأثیر علل و عوامل داخلی آنجا بود و نتیجه انتخابات را این عوامل دخیل مشخص کرد. در زیر به اهم این عوامل اشاره می‌شود:

##### ۴-۱. ایلات و عشایر

کرمانشاه از جمله مناطقی بود که حیات ایلی در آن به خاطر موقعیت جغرافیایی و بافت اجتماعی، اهمیت زیادی داشت. با سقوط رضاشاه، تمایل کلی خوانین و رؤسای عشایر افزایش قدرت محلی بود و در برخی از نواحی، دولت ناچار شد که استقرار نظم و امنیت عمومی را به خان‌ها بسپارد. لذا در جریان برگزاری انتخابات، راحت‌تر می‌توانستند اعضای طوایف خود را به پای صندوق‌های رأی بکشانند. در واقع از زمان مشروطیت به بعد رد پای خوانین و خاندان‌های قدرتمند محلی در انتخابات مشاهده می‌شد و با برکناری رضاشاه جریان نفوذ آنان در این زمینه احیاء گردید؛ خاندان‌های دولت‌شاهی،

کزاری، اردلان، زنگنه، قبادیان، سنجایی از جمله این خاندان‌ها به شمار می‌رفتند. این افراد هم با مجامع رسمی و رجال سیاسی و نظامی کشور ارتباط داشتند و هم از پس تأمین هزینه‌های تبلیغاتی انتخابات برمی‌آمدند. بسیاری از ایلات و عشایر این نواحی، به مانند دیگر مناطق کشور نظر به تنفر و دشمنی تاریخی و عقبه ذهنی منفی نسبت به روسیه و انگلیس، دو استعمارگر و غارتگر بزرگ ایران قرن نوزدهم میلادی، دید خوبی نسبت به آنها نداشتند. برخی از فعالان منطقه و عشایر آنجا با همکاری جاسوسان آلمانی و طرفداران آلمان در کرمانشاه، با همکاری حزب تازه تأسیس کبود به وسیله افسرانی چون سرلشکر ابراهیم ارفع و سرتیپ شهاب و سرتیپ ایران‌نژاد به فعالیت‌های تبلیغاتی بر ضد انگلیس پرداختند و عشایر آنجا به‌ویژه گوران و قلخانی بر ضد انگلیس تحریک شدند (سلطانی، ۲/۱۳۷۸: ۴۴۷-۴۴۸)؛ اما شکست قوای آلمان در کنار رود ولگا سران ایلات و عشایر را اندکی هوشیار ساخت و آنها فهمیدند که نباید چشم به آلمان هیتلری داشته باشند و در کنار آنها قرار گیرند، زیرا این امر به شکست خواهد انجامید (ایوانف، ۱۳۵۶: ۹۵). این بود که بسیاری از عشایر به یکی از جناح متفق متمایل شدند و با تطمیع و تحریک از جانب آنان، به همکاری پرداختند. فرماندار سابق کرمانشاه، آقای طباطبایی در نامه‌ای به وزارت کشور اشاره کرده: «کلیه ایلات کرمانشاه به نظام‌های مختلف اسلحه مسلح‌اند و قوای متفقین امنیت این حدود را از لحاظ موقعیت جاده و حمل و نقل احتیاجات خود تحت کنترل دقیق درآورده‌اند» (جامی، ۱۳۵۷: ۲۹۶-۲۹۷). هر یک از این مراکز حیات ایلی و عشایری رونق زیادی داشت و نامزدهایی چون زنگنه، قبادیان، وزیر و غیره دارای پایگاه خانوادگی ایلی بودند. به نوشته سلطانی:

«ابتکار عمل در دادن رأی به دست روستائیان بود که به نام رعیت، تحت انقیاد بی قید و شرط مالکان بزرگ قرار داشتند؛ از ماه‌ها قبل از انتخابات، کاندیداها و نمایندگان تام‌الاختیار آنها با مالکان عمده و متنفذان محلی تماس گرفته و سعی در جلب نظر موافق آنها را داشتند و تصمیم مالک به منزله وحی منزل از طرف رعایا واجب‌الاطاعه و حتمی بود و رعایای هر ده با کامیون‌ها وارد شهر و حوزه‌های رأی‌گیری می‌شدند» (سلطانی، ۲/۱۳۷۸: ۳۲۴).

بنابراین، در مناطق عشایری و روستایی رؤسا و خوانین به واسطه حکومت بر مردم و بومیان، نتیجه انتخابات را تعیین و زمینه مشارکت رعایا را فراهم می‌کردند. در این دوره، آقایان قبادیان و زنگنه هر دو دارای پایگاه ایلی بودند. عباس مسعودی تصریح نموده است:

«غیر از تهران و چند نقطه دیگر که با قانون ناقص انتخابات در محیط آزاد و مبارزات و فعالیت دستجات انجام پذیرفت، در اغلب شهرستانها مداخلات مأمورین دولت کم و بیش وجود داشت و متنفذین هر محل با پشتیبانی مأمورین محلی توانستند آراء مردم بی‌سواد و رعایا را به نفع خود به صندوق‌ها بریزند» (اطلاعات در یک ربع قرن، ۱۳۲۹: ۲۴۸).

لذا بخشی از کار انتخابات در این دوره بر عهده رؤسای ایلات و عشایر و خوانین بود که با هدف حفظ منافع خود در کنار دیگر عوامل (دولتمردان محلی و مأمورین خارجی) مردان تحت امر خویش را به پای صندوق‌های رأی می‌آوردند.

#### ۲-۴. احزاب و جریان‌های سیاسی

علاوه بر ایلات و عشایر که در ساختار سیاسی و اجتماعی و اقتصادی کرمانشاه نقش پررنگی ایفا کرد، احزاب و جریان‌های سیاسی هم در این زمینه دخیل بودند. البته باید گفت مشارکت و فعالیت احزاب سیاسی در انتخابات دوره‌های بعد<sup>(۳)</sup> پررنگ‌تر شد و در انتخابات دوره چهاردهم حوزه کرمانشاه، حضور گسترده‌ای نداشتند؛ چراکه هنوز شعبات احزاب جدیدالتأسیس، در این شهر دایر نشده بود. با این حال، در جریان انتخابات برخی از احزاب وجود داشتند که برخلاف دوره سلطنت پهلوی اول، انتخابات را از حالت یکنواختی و تکراری بودن درآوردند. از جمله این احزاب می‌توان به حزب ایران اشاره کرد که جمعی از مهندسين آن را به وجود آوردند. این حزب با تمایلات آزادیخواهانه و ناسیونالیستی و استقلال طلبانه شروع به فعالیت کرد. جمعی از اعضای فعال و آزاداندیش و تحصیل کرده این حزب از جوانان پرحرارت کرمانشاهی برخاسته که عمدتاً از میان ایلات رشید و فداکار غرب همچون زنگنه و سنجابی بودند (زیرک‌زاده، ۱۳۷۸: ۹۳). این حزب بیشتر از پایتخت به حمایت کاندیداهای موردنظر می‌پرداخت. در این دوره حزب مذکور، زمینه انتخاب مصدق، رضازاده شفق و زنگنه و حسین معاون و دکتر سیف‌الله معظمی را فراهم کرد، اما این افراد از آن رو انتخاب شدند که خانواده‌هایشان در حوزه‌های رأی‌گیری مربوطه، نفوذ چشمگیری داشتند. مثلاً زنگنه با اینکه حقوقدانی تندر و بود و بیشتر سال‌های زندگی خود را در تهران و پاریس گذرانده بود، بیشتر به این دلیل از حوزه انتخابیه کرمانشاه برنده شد که پدرش رئیس یکی از ایلات بزرگ آنجا بود (آبراهامیان، ۱۳۸۸: ۲۳۳)؛ لذا در این مرحله رقابت‌های حزبی در کرمانشاه، مداخله مستقیمی در امر تبلیغات و انتخابات نداشتند.

#### ۵. عوامل بیرونی (مداخله مأموران روسیه و انگلیس)

عوامل بیرونی دخیل در امر انتخابات این دوره، مأموران سیاسی دول متفق (شوروی و به‌ویژه انگلیس) بودند که مناطق تحت نفوذ خود دست بالا را داشتند و هر کدام از آنها می‌خواستند افرادی انتخاب شوند که به دوستی با آنها موصوف باشند و در نقاط مختلف اعمال غرض کردند (امیراحمدی، ۱۳۷۳: ۵۰۲). انگلیس در جنوب و غرب از جمله در

کرمانشاه و شوروری در آذربایجان و گیلان و شمال خراسان (آبراهامیان، ۱۳۸۸: ۲۲۹). در اینجا به گوشه‌هایی از این مداخلات اشاره می‌رود. لنچاوسکی اشاره کرده:

«انتخابات مجلس چهاردهم در محیطی آکنده از رقابت شدید انگلیس و روسیه و دستجات ایرانی طالب قدرت و مقام انجام گرفت ... در این نکته همه اتفاق نظر داشتند که مقامات شوروری در انتخابات مجلس مداخله کرده و فشارهایی وارد آورده و نمایندگان کمونیست انتخاب خود را مدیون تلاش آنها هستند» (لنچاوسکی، ۱۳۵۶: ۲۰۰ و ۲۲۰).

البته باید گفت که بیشترین نقش عوامل خارجی در روند برگزاری انتخابات مجلس چهاردهم در شهر کرمانشاه را کنسول و مأموران سیاسی انگلیس ایفا کردند و هشت نماینده توده‌ای مجلس همگی از نیمه شمالی کشور بودند (جهانشاه‌لوفشار، ۱۳۸۰: ۱۴۳). مأموران سیاسی انگلیس مدت‌ها قبل از حمله متفقین و سقوط رضاشاه در غرب کشور تمرکز کرده بودند و منافع زیادی در این منطقه داشتند. با توجه به برگزاری انتخابات در شرایط جنگی، برقراری آرامش و برگزاری انتخابات در فضای بدون تنش، خواسته مأموران انگلیس بود و آنان به حمایت از عناصر صادق به خود پرداختند (یادداشت‌های سیاسی ایران، ۱۲/۱۳۹۲: ۴۳۸) سرفرماندهی متفقین و در رأس آنان مأموران انگلیسی، بهتر دیدند عشایر گرد در غرب و شمال غرب ایران را به خود جذب کرده و از پیشروی احتمالی قوای آلمان ممانعت کنند. انگلیسی‌ها با این هدف، محترمین و معاریف شهرهای این حدود از جمله کرمانشاه را به وسیله مأموران سیاسی و قنصلخانه خود همچون کلنل فلیچر و کلنل پیت، با دعوت به مراسم شبانه و دادن وعده و کالت مجلس شورای ملی و یا تهدید و تبعید، به طرفداری از دیپلماسی خود مجبور می‌کردند (کامران میزرا، ۱۳۵۴: ۱۰-۱۱). بولارد در نامه به وزارت امور خارجه اشاره کرده:

«شیوه ما در انتخابات هرگز آن نبوده است که با یک فهرست از پیش تعیین شده از نمایندگان با دولت ایران روبرو شویم، ولی ما همیشه توسط نخست‌وزیر و وزیر کشور طرف مشورت قرار گرفته‌ایم و نظر خودمان را به آنها و کاندیداهایی که مایلند حداکثر سعی را برای منافع ایران انجام دهند، گفته‌ایم. همچنین به مأموران کنسولگری خودمان دستور داده‌ایم که اهالی محلی را به حمایت از کاندیداهای مناسب و مترقی تشویق و ترغیب کنند» (بولارد، ۱۳۷۱: ۵۳۰)

مهدی فرخ از رجال این زمان معتقد است علی سهیلی - که انتخابات این دوره در زمان او برگزار شد- فردی اهل معامله بود و از این و آن پول می‌گرفت و به مردم ایران وکیل می‌فروخت. او برای فرمانداران و استانداران مورد اعتماد ولایات بخشنامه‌ای مخابره کرده بود که در انجام انتخابات مجلس حتماً از نظریات نمایندگان سیاسی روس و انگلیس به‌ویژه ژنرال کنسول‌های انگلیس استفاده شود (فرخ، ۱/۱۳۴۷: ۶۷۱-۶۷۰). البته کار مأموران سیاسی و نظامی متفقین به این ختم نمی‌شد و پا را از این فراتر گذاشتند.

فرماندار سابق کرمانشاه در گزارش به وزارت کشور ضمن اشاره به ظهور برخی از افراد که خود را بخشدار و سرپرست منطقه، تصریح نموده:

«ادعای حکمرانی دارند و به نام امنیت هر چه می‌خواهند انجام می‌دهند. این افراد گویا از طرف متفقین حکم‌شان صادر شده و ... مستقیماً با کنسولخانه انگلیس و مستشار سیاسی خارجی (کلنل فلیچر و کلنل پیت) طرف مکاتبه و مراجعه شده‌اند ... تأسف در این است که در استان پنجم تمام امورات به مستشار سیاسی و کنسولخانه داده شده و استانداری و فرمانداری و سایر ادارات بدون نظر و تصویب خارجیان کوچک‌ترین عملی حتی در امور داخلی ندارد» (رهبر، شماره ۵۶۸، مورخه ۱۳۲۴/۳/۷، ص ۱).

از طرفی پس از ورود متفقین و به‌ویژه انگلیس به کرمانشاه، کلنل فلیچر، فرماندار نظامی این منطقه، حکومت پلیسی و نظارت شدیدی بر تحرکات قومی و عشایری این حدود اعمال کرد. در نتیجه همین واکنش‌های منفی بود که نیروهای انگلیسی بازداشت و تبعید و زندانی کردن رهبران عشایر را مطمح‌نظر قرار دادند و با هدف بیرون راندن جمعیت و شخصیت‌های فعال و آگاه، به تثبیت موقعیت خود و سلطه بر اوضاع داخلی کرمانشاه و نواحی مجاور پرداختند. سنجابی در این زمینه اشاره کرده:

«در سال بیست و یک [۱۳۲۱ش]. پس از پانزده سال از زمان رضاشاه قصد کردم به محل خانوادگی‌ام کرمانشاه بروم تا هم با خانواده و ایل سنجابی دیداری کنم و هم درباره فعالیت سیاسی ممکن در آنجا مطالعات و اقداماتی بنمایم ... قبلاً بنده و جمعی از دوستان همشهری جمعیت کرمانشاهی‌های مقیم تهران را تشکیل داده بودیم. در شهر کرمانشاه به فعالیت پرداختم و با جمعی از دبیرستانی‌ها و فارغ‌التحصیلان دبیرستان و فرهنگیان و یک عده از جوانان بازاری به نام جمعیت کرمانشاهی‌ها به وجود آوردم ... پس از مدتی فعالیت استاندار کرمانشاه به من اظهار داشت که نماینده سیاسی و نظامی انگلیس آقای فلیچر به شما بدبین است و به او گزارش داده‌اند که شما در میان ایلات علیه انگلیسی‌ها مشغول فعالیت هستید» (سنجابی، ۱۳۶۸: ۶۴-۶۵).

بدین ترتیب مانع از نمایندگی سنجابی در دوره چهاردهم تقنینیه شدند و با دور کردن او و دیگر هم‌نوعان به طور آشکارا درصدد تعیین سرنوشت سیاسی کشور بودند. این اتفاق پس از این برای بسیاری از متنفذین محلی و سران عشایر منطقه اتفاق افتاد. هدف انگلیس هم این بود تا از نفوذ دیگر رقبا و همتایانی که به منافع غرب کشور چشم داشتند، جلوگیری نماید. به نوشته میلسپو:

«انگلیسی‌ها با ترس و حسادت نسبت به رقیبان خود، برای رفع نیازمندی‌های خود تعداد زیادی دیپلمات داشتند که ریاست آن بر عهده ریدر بولارد بود. مأموران کنسولی در شهرهای مختلف به سفارت گزارش کامل می‌دهند و مأموران سیاسی این کشور در بین عشایر فعالیت داشتند ...

کنسول‌ها و مأموران سیاسی چنان نقشی ایفا می‌کنند و چنان نفوذی دارند که قاعدتاً خارج از حدود اختیارات و صلاحیت آنان است» (میلسپو، ۱۳۷۰: ۲۱۹-۲۲۷).

در واقع مأموران سیاسی انگلیس در کرمانشاه درصدد بودند در راستای تأمین منافع خویش، از انتخاب کاندیداهایی که احتمال می‌رفت دشمن آنها باشند، جلوگیری نمایند. سنجایی اشاره کرده:

«در آستانه انتخابات مجلس چهاردهم با شاه ملاقات کردم و به من گفت چرا نماینده نمی‌شوید؟ ... من سفارش شما را به سهیلی کرده‌ام. به کرمانشاه رفتم و در آنجا دیدم شهر آشفته شده و ادارات دولتی و پلیس و دفاتر انگلیسی همه مضطرب و ناراحتند ... آنها به ولوله افتاده‌اند که من وارد جریان انتخابات شده‌ام. آن کلنل انگلیسی فلیچر که مشهور به نادرستی و پول و رشوه گرفتن و فساد اخلاقی و مردی خشن بود، از استاندار وقت خواست که من به دیدن او بروم. رفتم و گفت مگر ما نگفتیم که اینجا حضورتان پسندیده نیست. باز چرا آمده‌اید؟ گفتم برای شرکت در انتخابات. گفت انتخاب آزاد است ولی شما انتخاب نخواهید شد. به رشیدالسلطنه گوران رئیس این ایل چه دستور داده‌اید؟ با سلیمان بگ رئیس ایل جوانرود چه ارتباطی دارید؟ گفتم این افراد را اخیراً ندیده‌ام. گفت می‌دانید. کتابی از جنگ اول جهانی به دستم دادم که بخوانم و گفت که اقدامات پدران شما علیه ما در آن جنگ است ... خلاصه بدون اینکه بنده بتوانم فعالیتی بکنم با برادرم که رئیس ایل سنجایی بود و پسرعمویم را گرفتند و تحویل داده و یکسره به تهران برگرداندند و بقیه سران ایل را به همدان و بروجرد بردند ... و گوران و سنجایی از رؤسایشان خالی شدند» (سنجایی، ۱۳۶۸: ۶۸-۶۷).

این گزارش مصداق بارز مداخلات انگلیس در انتخابات بود که به بهانه تأمین امنیت از کاندیداهایی که با آنها موافق نبودن جلوگیری می‌کردند و شاه و نخست‌وزیر نیز توان مقابله با این مداخلات را نداشتند و تسلیم منویات متفقین شدند.

#### ۶. جریان انتخابات و اسامی نمایندگان مجلس چهاردهم و پایگاه اجتماعی آنان

با چنین اقداماتی بود که مقدمات کار برگزاری انتخابات فراهم شد، در این مرحله از انتخابات مجلس، پس از تعیین انجمن نظارت بر انتخابات که طبق فصل چهارم قانون انتخابات باید تشکیل می‌شد (سائلی کرده‌ده، ۱۳۷۸: ۲۰۸) و استقرار آن در مسجد عمادالدوله در مرکز شهر کرمانشاه در تاریخ ۲۲ مرداد ۱۳۲۲ پس از دعوت از طبقات ششگانه و معتمدین بومی، محل صندوق‌های آراء در کرمانشاه، شاه‌آباد (اسلام‌آباد غرب)، کردند، قصر شیرین، هرسین، کنگاور و سنقر تعیین شد. تاریخ رأی‌گیری از ۳۰ مهر تا ۱۴ آبان اعلام (کشاورز و ططری، ۱۳۹۰: ۴۱۲) و رقابت ۲۸ نامزد انتخاباتی آغاز گردید. برخی از اعضای انجمن نظارت بر انتخابات از میان معتمدین محلی تعیین شدند و لذا به راحتی می‌توانستند در نتیجه انتخابات دست ببرند. انجمن فوق بدون همکاری و حسن نیت مقامات استان نمی‌توانست به وظیفه خود عمل کند. پس از برگزاری انتخابات،



جمعی از مالکین و تجار و اصناف کرمانشاه از اقدامات غیرقانونی انجمن نظارت شکایت کردند مبنی بر اینکه:

«گرچه انجمن نظارت مرکزی انتخابات در ۷ دی ۱۳۲۲ رسماً انحلال خود را اعلام داشت، در تاریخ ۲۵ دی‌ماه در اداره استانداری یک ورقه اعتبارنامه به نام ساسان خواجه‌نصیری نوشته و چند نفر از اعضا را ... با تغییر و تشدد و نشان دادن تلگرافاتی از طرف وزارت کشور مرعوب و وادار به امضای آن نموده‌اند» (کشاورز و طبری، ۱۳۹۰: ۳۸۹).

با این حال، چون گواه و شاهی برای اثبات این مدعا نداشتند، درخواست و شکوائیه اهالی کرمانشاه مورد رسیدگی قرار نگرفت. اعتراض‌ها متوجه خواجه‌نصیری و قبادیان بود. به اعتقاد شاکیان، عباس حاج‌دایی کاندیدای منتخب است، اما پس از اعلان نتایج آراء در آذرماه، انجمن نظارت به توصیه مقامات دولتی اعتبار وی را تأیید نکرد. حاج‌دایی نیز بر آن بود که در روند انتخابات و تأیید ساسان خواجه‌نصیری، که تا چند قبل از برگزاری انتخابات، دادستان استان پنجم بود و طبق بند ۷ ماده ۱۳ قانون انتخابات نمی‌توانسته کاندیدا شود، تقلب صورت گرفته است. حاج‌دایی در شکوائیه طولانی به مجلس اشاره کرد:

«آقای ساسان به واسطه قربت با محسن صدر، وزیر دادگستری در تاریخ ۲۳ شهریور ۱۳۲۲ منتظر خدمت شده که ... یک‌ماه قبل از صدور فرمان همایونی برای شروع انتخابات، انتظار خدمت سفارشی انجام شده است ... و آقای معقول، رئیس دادگستری استان، به طرفداری از آقای ساسان سفسطه‌هایی نموده که انجمن نظارت حق تشخیص واجد شرایط و محروم از انتخابات را ندارد و ... مجدداً به طرفداری آقای ساسان اصرار ورزیده و نامه‌ای به انجمن نظارت نوشته‌اند ... و پس از انحلال انجمن نظارت، استاندار از ارسال صورت جلسات انتخابات و پرونده اینجانب به تهران خودداری کرد و پس از بیست روز معطلی ... اعتبارنامه را به نام ساسان نوشتند» (کشاورز و طبری، ۱۳۹۰: ۳۹۴-۳۹۸).

او از مجلس شورای ملی تقاضای رسیدگی و بررسی صورت‌جلسات داشت، اما به نتیجه نرسید. بنابراین، نفوذ اداری و آشنابازی در ساخت دیوانسالاری محلی در این زمینه به کمک آقای خواجه‌نصیری آمده و گرچه از نظر قانونی رد شده بود، اما به واسطه نفوذ و مداخله عوامل دولتی به مجلس راه پیدا کرد. گرچه بسیاری از آگاهان و معاریف کرمانشاه این موارد را به استاندار و مجلس گوشزد کردند، اما راه به جایی نبرد. خلعتبری و کیل دادگستری اشاره کرده:

«یکی از خبط‌های غیر قابل عفو دولت دخالت در انتخابات دوره چهاردهم بوده و نسل حاضر مدت‌ها باید غرامت این خبط را بدهد. تمام امید ملت ایران به این بود که در انتخابات دوره چهاردهم بتواند نمایندگان حقیقی خود را برای مجلس انتخاب کند. متأسفانه نه فقط تعدادی

از نمایندگانی را که می‌خواست، تحمیل نمود بلکه جلوی پولداران را برای تطمیع در امر انتخابات باز گذارد» (خلعتبری، ۱۳۲۳: ۲۸۷).

علاوه بر حوزه اصلی و مرکزی، در نحوه رأی‌گیری و شمارش آراء و مداخله متنفذین محلی، حوزه‌های فرعی از جمله سنقر و کلیایی نیز کارشکنی‌هایی صورت گرفته بود و اینکه اعضای انجمن نظارت بر آنجا به هنگام برگزاری انتخابات در محل حضور همیشگی نداشته‌اند (خلعتبری، ۱۳۲۳: ۴۰۶-۴۱۰). همین‌طور به برخی از حوزه‌های فرعی به خاطر کمبود حقوق، کسی از مرکز برای نظارت بر انتخابات نرفت. به‌هرحال در این دوره از انتخابات مجلس، این افراد از کرمانشاه برگزیده شدند: ساسان خواجه‌نصیری، دکتر عبدالحمید زنگنه، عباس‌خان قبادیان و دکتر حسین معاون (فهرست اسامی و مشخصات نمایندگان در ۲۴ دوره مجلس شورای ملی، ۱۳۶۷: ص ۶۱ و ۷۵ و ۱۲۱ و ۱۴۸) انجمن نظارت بر انتخابات گزارش نتایج آرای این استان را در تاریخ ۲۴ آبان ۱۳۲۲ به شکل ذیل به وزارت کشور اعلام نمود:

«در نتیجه خاتمه انتخابات چهاردهمین دوره قانون‌گذاری حوزه انتخابیه کرمانشاه آقایان ساسان خواجه‌نصیری با ۱۳۱۵۲ رأی و دکتر عبدالحمید زنگنه با ۱۲۷۶۹ رأی [و] عباس قبادیان با ۱۰۲۴۴ رأی [و] دکتر حسین معاون با ۵۵۷۹ رأی به سمت نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شده و قبول نمایندگی نموده‌اند» (کشاورز و ططری، ۱۳۹۰: ۴۰۳).

در آخرین مرحله انجمن نظارت، اعتبارنامه نمایندگان مذکور را تأیید کرد. (همان، ۴۱۹-۴۲۲) بدین ترتیب دو تن از نمایندگان این دوره حوزه انتخابیه کرمانشاه از میان ایلات سرشناس این استان بودند و این موضوع نشان دهنده حضور ایلات و عشایر در این مرحله از انتخابات است. طبق جدول زیر تعداد آرای مأخوذه هر یک از نمایندگان منتخب در شهرهای محل برگزاری انتخابات بدین شکل است:

شماره	نام	کرمانشاه	شاه‌آباد	کرد	قصر شهربان	هرسین	کنگاور	سنت
۱	ساسان خواجه‌نصیری	۱۲۹۷	۲۴۶۳	۱۹۹۸	۱۶۵۳	۱۴۴۲	۱۸۰۷	۲۴۹۲
۲	عبدالحمید زنگنه	۲۰۷۱	۲۲۲۲	۱۹۹۳	۱۶۷۱	۶۰۴	۱۸۶۳	۲۲۴۵
۳	عباس قبادیان	۱۹۶۹	۲۹۹۹	۱۹۹۵	۱۶۸۰	۱۴۹۵	۱۱	۱۱۵
۴	حسین معاون	۶۸۶	-	-	-	۲۴۵	۱۹۰۸	۲۴۳

بدین ترتیب انتخابات این دوره نیز به پایان رسیده و اعتبارنامه نمایندگان منتخب از سوی اعضای انجمن نظارت نیز صادر شده و به مجلس راه پیدا کردند.

#### ۷. اعتبارنامه نمایندگان کرمانشاه در مجلس چهاردهم

با پایان انتخابات و تأیید نمایندگان حوزه انتخابیه کرمانشاه به وسیله استانداری و انجمن نظار، با گشایش مجلس چهاردهم اعتبارنامه‌ها مورد بررسی قرار گرفت. در اولین جلسه این مجلس به هنگام طرح اعتبارنامه‌های منتخبین کرمانشاه، آقای مخبر فرهمند نماینده همدان به روند انتخاب آقای خواجه نصیری اشاره کرد:

«آقای ساسان خواجه نصیری، به اکثریت ۱۳۱۵۲، رأی به سمت نمایندگی چهاردهمین دوره قانون‌گذاری انتخاب شده‌اند. انجمن نظارت به عذر این که ایشان دادستان استان پنجم بوده‌اند، صلاحیت ندارند، از دادن اعتبارنامه خودداری می‌کنند وزارت دادگستری تصدیق داده که ایشان در ماه شهریور چون ترک خدمت کرده‌اند، منتظر خدمت شده‌اند. بنابراین، در تاریخ ۲۵ دی ماه ۱۳۲۲ انجمن نظارت تشکیل و اعتبارنامه برای ایشان صادر کردند. شعبه سوم پرونده مربوطه و شکایات واصله به انجمن و مجلس را تحت مطالعه و بررسی قرار داده، چون اعتراضات و شکایات واصله را منطبق با موازین قانونی ندانسته، صحت نمایندگی آقای ساسان خواجه نصیری تصدیق و اینک گزارش آن تقدیم می‌شود» (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره چهاردهم، جلسه ۲، یکشنبه ۱۴ اسفند ماه ۱۳۲۲).

آقای مرآت اسفندیاری، نماینده شهر سیرجان و آقای مصطفی کاظمی، نماینده کرمان، نسبت به انتخاب او مخالفت داشتند که رئیس مجلس آقای محمدصادق طباطبایی به خاطر ضیق وقت موضوع را به جلسات بعدی موکول کرد. در همین جلسه درباره آقایان زنگنه و قبادیان و معاون نیز تصریح نمود که چون نسبت به ایشان شکایتی در موعد مقرر نرسیده و انجمن اعتبارنامه صادر و شعبه سوم صحت جریان انتخابات و نمایندگی ایشان را تصدیق کرده و اینک گزارش آن به عرض می‌رسد (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره چهاردهم، جلسه ۲، یکشنبه ۱۴ اسفند ماه ۱۳۲۲). در جلسه پنجم مجلس، ریاست مجلس از نمایندگان مخالف تقاضا کرد علت مخالفت خود را بیان کنند. مرآت اشاره کرد مخالفت بنده روی پرونده آقای خواجه نصیری برای این نظر بود که تصور می‌کردم در موقع انتخابات ایشان دادستان بوده‌اند و بعد برخوردیم به یک حکمی که از وزارت دادگستری داده شده که ایشان استعفا داده‌اند و استعفای ایشان قبول شده لذا مخالفت خودم را پس می‌گیرم (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره چهاردهم، جلسه ۵، یکشنبه ۲۱ اسفندماه ۱۳۲۲). سپس دیگر نمایندگان مجلس برخاستند و بدین ترتیب آخرین مرحله نمایندگی منتخبین حوزه انتخابیه کرمانشاه نیز به انجام رسید.

#### ۸. نتیجه

انتخابات مجلس چهاردهم شورای ملی که نخستین دوره قانون‌گذاری سلطنت محمدرضاشاه پهلوی به‌شمار می‌رفت، در شرایطی برگزار شد که ایران در اشغال متفقین بود و با برکناری و تبعید رضاشاه و ضعف دربار و مقام سلطنت، موجی از تحرک و

مشارکت سیاسی در سایه برقراری آزادی نسبی مجامع داخلی به وجود آمده بود. در این دوره تأسیس احزاب و برآمدن جریان‌های و تشکل‌های مختلف اتفاق افتاد و لذا این مجلس قرار بود بسیاری از مشکلات کشور را حل نماید و خوش‌بینی مفرطی در تهران و بسیاری از حوزه‌های انتخاباتی کشور نسبت به آن شکل گرفت. برگزاری انتخابات این مرحله تحت تأثیر چند عامل قرار گرفت؛ عوامل خارجی که در رأس آن کنسولگری و مأموران سیاسی انگلیس و مداخلات روسیه در تهران و دیگر حوزه‌ها قرار داشت و عوامل متنوع داخلی؛ از بوروکراسی و شاه و وزرا گرفته تا احزاب قدیم و تازه تأسیس و متنفذین محلی و به‌ویژه رؤسای ایلات و عشایر. لذا برخلاف ادوار پیشین، شاه و دربار و ارتش به‌عنوان تنها عوامل تعیین‌کننده نتیجه انتخابات نبودند، گرچه هیچ‌یک از این عوامل به طور کامل امر انتخابات را به انحصار خود درنیاموردند. ازجمله این حوزه‌های انتخاباتی، کرمانشاه واقع در غرب کشور بود که در این دوره از انتخابات مجلس شورای ملی، در وهله نخست مأموران سیاسی و نظامی انگلیس و سپس متنفذین محلی و رؤسای عشایر به شدت در آن تأثیر گذاشتند. نکته مهم این است که در این مرحله، فعالیت‌های حزبی در این شهر هنوز شدت نگرفته بود و لذا احزاب تأثیر پرننگی در انتخابات نداشتند و این موضوع بیشتر در ادوار بعدی خود را نشان داد. دیوانسالاری محلی نیز گوش به فرمان مأموران خارجی و بوروکراسی پایتخت بود. رؤسای ایلات و عشایر متنفذ رعایای تحت حاکمیت و اطاعت خویش را به پای صندوق‌های رأی آوردند. در کنار این عوامل، البته یک انتخابات سالم برگزار نشد و نظر به بی‌سوادی قاطبه رأی-دهندگان و فقدان نظارت دقیق دولتی، نتایج انتخابات دست‌کاری می‌شد. لذا برخلاف تصور رایج، دوره چهاردهم مجلس شورای ملی نیز به‌رغم تفاوت‌های مهمی که با ادوار سابق داشت، انتخاباتی نبود که وکلای واقعی مردم به مجلس راه پیدا کنند و این موضوع درباره حوزه‌های استانی که حساسیت کمتری داشت، صدق می‌کند.

### پی‌نوشت‌ها

۱. برای شناخت این احزاب، رهبران، و مؤسسان و مرامنامه و برنامه آنها می‌توان بنگرید: مدیرشانه‌چی، فرهنگ احزاب و جمعیت‌های سیاسی، تهران، نگاه معاصر، ۱۳۸۵.
۲. برای اطلاع از این روند ر.ک به علوی، بزرگ، پنجاه و سه نفر، تهران، جاویدان، ۱۳۵۷، صص ۲۳۳-۲۴۳.
۳. برای اطلاع از این روند می‌توانید ر.ک: سلطانی، محمدعلی، احزاب سیاسی و انجمن سری در کرمانشاه، ج ۲، تهران: سپا، ۱۳۷۸، صص ۴۹۸-۳۲۵؛ بهرامی، روح‌الله، انقلاب اسلامی در کرمانشاه، ج ۱، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۹، فصل دوم.

### منابع

آبراهامیان، پرواند، ۱۳۸۸، *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه احمد گل محمدی، محمدابراهیم فتاحی، تهران، نی.

- ارفع، حسن، ۱۳۹۵، در خدمت پنج سلطان، ترجمه مانی صالحی، تهران، ماهی.
- اسکراین، سر کلارمونت، ۱۳۶۳، جنگ جهانی در ایران، ترجمه غلامحسین صالحیار، تهران، اطلاعات.
- اطلاعات، سال هفدهم، شماره ۵۱۸۷، شنبه چهاردهم خرداد ۱۳۲۲، ص ۱.
- امجد، محمد، ۱۳۸۰، ایران: از دیکتاتوری سلطنتی تا دین‌سالاری، ترجمه حسین مفتخری، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- امیراحمدی، احمد، ۱۳۷۳، خاطرات نخستین سپهبد ایران، به کوشش غلامحسین زرگری‌نژاد، تهران، مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی.
- امیرخسروی، بابک، ۱۳۷۵، نظری از درون به نقش حزب توده ایران، تهران، اطلاعات.
- ایوانف، م. س، ۱۳۵۶، تاریخ نوین ایران، ترجمه هوشنگ تیزابی و حسن قائم‌پناه، تهران، طوفان.
- بولارد، سر ریدر، ۱۳۷۱، نامه‌های خصوصی و گزارش‌های محرمانه، ترجمه غلامحسین میرزا صالح، تهران، طرح نو.
- بهرامی، روح‌الله، ۱۳۸۹، انقلاب اسلامی در کرمانشاه، ج ۱، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- جامی، ۱۳۵۷، گذشته چراغ راه آینده، تهران، ققنوس.
- جهانشاه‌لوفشار، نصرت‌الله، ۱۳۸۰، ما و بیگانگان، تهران، ورجاوند.
- حجازی، محمدباقر، ۱۳۲۲، حقایق گفتنی، تهران، شرکت مطبوعات.
- خامه‌ای، انور، ۱۳۷۲، خاطرات سیاسی، تهران، گفتار.
- خلعتبری، ارسلان، ۱۳۲۳، «خطاهای سیاسی از شهریور ۱۳۲۰ به بعد»، آینده، ج ۳، تهران.
- روزنامه رهبر، شماره ۵۶۸، مورخه ۱۳۲۴/۳/۷، ص ۱.
- روزنامه کرمانشاه، ۱۳۲۰، شماره ۱۵۴۲، دی‌ماه، ص ۲.
- زیرک‌زاده، احمد، ۱۳۷۸، خاطرات: پرسش‌های بی پاسخ در سال‌های استثنایی، به کوشش ابوالحسن ضیاء‌ظریفی و خسرو سعیدی، تهران، نیلوفر.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، شماره سند ۲۴۰/۱۰۹۲۲، ۲۴۰/۲۳۵۰۳، ۲۹۳/۳۶۲۱، ۲۹۳/۳۸۲۱، ۲۹۳/۲۲۹۴.
- سائلی کرده‌ده، مجید، ۱۳۷۸، سیر تحول قوانین انتخاباتی مجلس ایران، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- سلطانی، محمدعلی، ۱۳۷۸، احزاب سیاسی و انجمن‌های سری در کرمانشاه، ج ۲، تهران، سها.
- سنجابی، کریم، ۱۳۶۸، امیدها و ناامیدی‌ها، لندن، جبهه ملیون.
- سیاست و سازمان حزب توده از آغاز تا فروپاشی، ۱۳۷۰، ج ۱، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- شجیعی، زهرا، ۱۳۸۳، نخبگان سیاسی ایران: نمایندگان مجلس از مشروطه تا انقلاب اسلامی، ج ۴، تهران، سخن.
- صفایی، ابراهیم، ۱۳۷۳، نخست‌وزیران ایران، ج ۱، تهران، انجمن تاریخ.
- طبری، احسان، ۱۳۶۷، کژراهه، تهران، امیرکبیر.
- طیرانی، بهروز، ۱۳۷۶، اسناد احزاب سیاسی ایران، ج ۱، تهران، مرکز اسناد و کتابخانه ملی ایران.
- عظیمی، فخرالدین، ۱۳۷۴، بحران دموکراسی در ایران، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدی، تهران، البرز.

- علوی، بزرگ، ۱۳۵۷، پنجاه و سه نفر، تهران، جاویدان.
- فرخ، مهدی، ۱۳۴۷، *خاطرات سیاسی*، ج ۱، به کوشش پرویز لوشایی، تهران، امیرکبیر.
- فوران، جان، ۱۳۸۸، *مقاومت شکننده*، ترجمه احمد تدین، تهران، رسا.
- فهرست اسامی و مشخصات نمایندگان ۲۴ دوره مجلس شورای ملی، ۱۳۶۸، تهران، دفتر انتخابات وزارت کشور.
- قانع، سعید، علمی، محمدعلی، ۱۳۹۰، *نخست وزیران ایران*، تهران، علمی.
- قطبی، بهروز، ۱۳۸۹، *گزیده اسناد ایران در جنگ جهانی دوم*، تهران، اطلاعات.
- کامران میرزا، ۱۳۵۴، *ایران در جنگ جهانی دوم*، تهران، بهمن.
- کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای ملی (کمام)، شماره سند ۲۴۸۴۴.
- کشاورز، اردشیر، طبری، علی، ۱۳۹۰، *اسناد انتخابات مجلس شورای ملی کرمانشاهان*، تهران، مرکز اسناد و کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- کمالی، مسعود، ۱۳۸۱، *جامعه مدنی، دولت و نوسازی در ایران معاصر*، ترجمه کمال پولادی، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- گازیوروسکی، مارک. جی، ۱۳۷۱، *سیاست خارجی آمریکا و شاه*، ترجمه فریدون فاطمی، تهران، مرکز. لچاوسکی، جورج، ۱۳۵۶، *رقابت روسیه و غرب در ایران*، ترجمه اسماعیل راثین، تهران، جاویدان.
- مدیرشانه چی، محسن، ۱۳۷۵، *احزاب سیاسی ایران*، تهران، رسا.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۸۵، *فرهنگ احزاب و جمعیت‌های سیاسی*، تهران، نگاه معاصر.
- \_\_\_\_\_، *مذاکرات مجلس شورای ملی*، دوره چهاردهم، جلسه ۲، یکشنبه ۱۴ اسفند ماه ۱۳۲۲.
- \_\_\_\_\_، *دوره چهاردهم*، جلسه ۵، یکشنبه ۲۱ اسفندماه ۱۳۲۲.
- \_\_\_\_\_، *مرکز اسناد وزارت امور خارجه (اسنادوخ)*، ۴-۴۸-۳۹، ۱۳۲۱ش، ۱-۱۱۵-۳۹، ۱۳۲۲ش.
- مسعودی، عباس، ۱۳۲۹، *اطلاعات در یک ربع قرن*، تهران، اطلاعات.
- مهربان، رسول، ۱۳۶۱، *گوشه‌هایی از تاریخ معاصر ایران*، تهران، عطارد.
- میلسپو، آرتور، ۱۳۷۰، *آمریکائیه در ایران*، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران، البرز.
- نوروزی، داود، ۱۳۶۰، «حزب توده ایران؛ ضرورت تاریخی میهن ما»، *حزب توده ایران از آغاز پیدایی تا انقلاب ۱۳۵۷: اسناد و دیدگاه‌ها*، ج ۱، تهران، بی‌نا.
- نیک‌پی، اعزاز، ۱۳۴۷، *تقدیر یا تدبیر*، تهران، این سینا.
- یادداشت‌های سیاسی ایران، ۱۳۹۲، ج ۱۲: بخش اول، ویراستار آر. ام. بارل، ترجمه مصطفی امیری، تهران، مؤسسه فرهنگی هنری و مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- یکرنگیان، حسین، ۱۳۸۴، *سیری در تاریخ ارتش ایران*، تهران، خجسته.